

مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران

عیسی درویش‌پور

دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

افسانه صابر گرکانی*

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

مریم مصلح

دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

لیلا شریفیان

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۹۹/۰۱/۱۸ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۲

چکیده: رشد فزاینده افراد بیکار، نیاز جامعه به کالاها و خدمات جدید، افزایش رشد نرخ تکنولوژی در اغلب صنایع و شدت گرفتن رقابت در بازارهای مختلف؛ از جمله عواملی هستند که اهمیت توجه به کارآفرینی و محیط کسب‌وکار را آشکار می‌سازد؛ بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران به روش آمیخته اکتشافی انجام گردید. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است. در مرحله کیفی ۱۱ نفر از خبرگان و ۲۱ سند مرتبط با موضوع پژوهش به عنوان نمونه، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌های کیفی به روش مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. در این بخش، داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند که منجر به شناسایی ۲۰ شاخص و ۵ مؤلفه گردید. پرسشنامه تحقیق بر اساس این شاخص‌ها طراحی شد. در بخش کمی، جامعه آماری را کلیه مدیران هنرستان‌های شهر تهران (۳۲۹ نفر) تشکیل می‌دادند که برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۷۷ نفر به عنوان نمونه، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌های کمی، براساس پرسشنامه محقق‌ساخته صورت گرفت که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۳ درصد و روایی آن با استفاده از نظر متخصصان و خبرگان تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS 16 و Smart PLS صورت پذیرفت. بر اساس نتایج پژوهش پنج مؤلفه: علمی و نوآوری، تربیت اقتصادی و اجتماعی، مدیریت و ارزیابی، آموزش و یادگیری و مشاوره تحصیلی با شاخص‌های آنها، تحت عنوان ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران مشخص گردید.

واژگان کلیدی: استانداردسازی، کسب‌وکار، بهره‌وری اقتصادی، هنرستان‌ها، شهر تهران

طبقه‌بندی JEL: A21, D24, L84, N85

* نویسنده مسئول: afsaneh.saber@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از هدف‌های اصلی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلاقی، ۱۳۸۲). ایجاد و کاربرد استانداردهای کیفیت در نظام آموزشی، گام مهمی در راستای اثربخشی و کارایی نظام آموزشی است. در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای بهبود کیفیت صورت گرفته و پرسش‌هایی در ارتباط با آن مطرح شده و بیانگر آن است که نظام آموزشی کشور، از استانداردهای بین‌المللی و سازکارهای تضمین کیفیت، فاصله دارد (عباسی و وقور کاشانی، ۱۳۹۴). استانداردسازی به تولیدکنندگان این امکان را می‌دهد تا تجارب و دانش گذشته را به طور نظام‌مند و رسمی ثبت کنند و پایه دانش آنها و توانایی جذب و کاربرد دانش را بهبود ببخشند (Wang et al., 2016). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام نوین اجتماعی، با فراهم آوردن زمینه‌های بروز مهارت‌های لازم برای بهتر زیستن شهروندان، نقش محوری را ایفا کرده و به یکی از خط‌مشی‌های اساسی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطح پیش از دانشگاه تبدیل شده است. یکی از مشکلاتی که فراروی جوامع بشری قرار دارد و کشورهای گوناگون را به چالش کشیده است، مسئله بیکاری است. عوامل بروز این پدیده در کشورهای مختلف، به اختلافات گوناگون در ساختار اقتصادی، آموزشی و فرهنگی آن کشورها بازمی‌گردد. کشور ما نیز نه تنها از هجوم تبعات اقتصادی

و فرهنگی که از مسئله بیکاری ناشی می‌شود، مستثنی نیست بلکه به دلیل ترکیب جوان جمعیت، در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار دارد (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۵)؛ لذا مراکز آموزشی ما باید بتوانند با هدف آگاه کردن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان به وسیله برنامه‌های آموزشی از قبیل خلاقیت، توانایی، شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن را ارائه دهند (خاتمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۱).

در کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون آلمان، دانمارک و بسیاری از کشورهای پیشرفته دیگر، استانداردسازی آموزش هنرستانی بر اساس اصل آموزش دوگانه می‌باشد؛ به این معنی که شرکت‌کنندگان، یک قسمت از آموزش خود را در مدارس فنی و حرفه‌ای و قسمت دیگر را در شرکت‌هایی که مستقیماً در آن حرفه مشغول فعالیت هستند، می‌گذرانند (Koudahl, 2011). بنابراین امروزه از نظام آموزش و پرورش به طور عام و نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به طور خاص انتظار می‌رود تا شرایط مناسبی برای پرورش کارکنانی هوشمند، دانشی، چندمهارتی، مولد، متفکر و متناسب با نیاز اقتصاد امروز فراهم آورند تا دانش‌آموختگان بتوانند نیازهای اقتصاد نوین و پرچالش آینده را برآورده کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸).

با توجه به نیاز جامعه به ویژه در عصر حاضر به مهارت‌آموزی به منظور ایجاد اشتغال و بهره‌وری اقتصادی، بهبود کیفیت آموزش‌های مهارتی، اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا پژوهش حاضر با طرح این سؤالات که: ۱- مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران شامل چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟ ۲- کدام یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری

سال‌های دوره ابتدایی حفظ می‌کنند، در حالی که همتایان آن‌ها تجارب کمتری دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا در رقابت‌های آموزشی شرکت کنند.

مطالعات لی^۵ و همکاران (۲۰۱۶) بیانگر وجود روابط پیچیده بین استانداردسازی و وقوع خطاها هستند. با توجه به این که پیشگیری کامل از اشتباهات، غیرممکن است و خطاها همیشه رخ خواهند داد، تلاش برای بهبود مداوم عملکرد با هدف کاهش تعداد خطاها در طول زمان صورت می‌گیرد و به طور خاص، استانداردسازی را برای کاهش میزان خطا پیشنهاد می‌کنند.

الاسمیل و مک‌گایر^۶ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «تمرکز بر مهارت‌های قرن بیست‌ویکم، دانش محتوا و تخصص»، ایجاد شناخت در سراسر و بین موضوعات اصلی و همچنین موضوعات میان‌رشته‌ای قرن بیست‌ویکم، تأکید بر شناخت عمیق به جای دانش کم‌عمق، مشارکت دانش‌آموزان در داده‌های دنیای حقیقی، ابزارها و متخصصانی که در دانشگاه، در شغل و در زندگی با آنها مواجه خواهند شد و مطمئن نظر قرار دادن سنجش‌های متعدد تسلط را استانداردهای قرن بیست‌ویکم معرفی کرده‌اند.

کرلی و موروزیدس^۷ (۲۰۱۵) مؤلفه‌های ارتباط به زبان مادری، ارتباطات در زبان‌های خارجی، شایستگی و ظرفیت‌ها در ریاضی، علم و فناوری و یادگیری برای یاد دادن را شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مهم در آموزش فنی و حرفه‌ای ذکر کرده‌اند.

نتایج مطالعات نیسین بوم و نوه^۸ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که انتخاب، نقش مهمی در تعیین رابطه بین استانداردسازی و کاهش خطا ایفا می‌کند. بالاترین سطح کاهش خطا در شرایطی یافت می‌شود که در آن، کارکنان دارای درجه بالایی از اختیار باشند.

اقتصادی در شهر تهران در اولویت می‌باشد؟ ۳- درجه تناسب مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران چیست؟ بر آن است تا مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران را طراحی کند و در این راستا گامی بردارد.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

آلوس^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان» به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان، مهارت‌های شغلی آموخته شده در رشته تحصیلی در مدرسه است و هر چه مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدرسه بیشتر باشد، موفقیت و عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان بهتر خواهد بود. اندرسن^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل کیفی بر دیدگاه‌های معلمان منتخب مقطع متوسطه در مورد آموزش تخصصی با استفاده از تجهیزات آموزشی به‌روز با آکادمی نیوجرسی و دانشگاه وندربلت» نتیجه گرفته است که تجهیزات آموزشی مناسب با توانمندسازی مدارس، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

مطالعه ماتسوکا^۳ (۲۰۱۸) تحت عنوان «پرورش هماهنگ توسعه‌یافته در سیستم آموزشی استاندارد» در مدارس ژاپن نشان می‌دهد که کودکی نابرابر^۴ (نابرابری‌های انباشته شده در تجربیات ساختاری به رهبری بزرگسالان) منجر به موفقیت نابرابر کودک می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که کودکان ژاپنی با والدین دارای تحصیلات دانشگاهی، نگرش‌ها و اعتماد به نفس خود را از طریق تجربیات جمعی خود در

5- Lei

6- Alismail and McGuire

7- Korelli and Mourouzides

8- Nissinboim and Naveh

1- Alos

2- Andersen

3- Matsuoka

4- Unequal childhood

شکل سازماندهی فعالیت‌های آموزشی، کار گروهی است که در آن، تعامل برای حل مشکلات آموزشی، حفظ می‌شود.

نتایج مطالعات گاجاردو و گراو^۴ (۲۰۱۹) با عنوان «رقابت بین مدارس و کیفیت آموزشی: تنش بین اهداف مختلف سیاست آموزشی» حاکی از آن است که اگر مشوق‌هایی که مدارس با آن روبه‌رو هستند با نمرات آزمون استاندارد مرتبط باشد، مدارس به طور طبیعی از سایر جنبه‌های کیفیت مدرسه، غفلت خواهند کرد و متضرر خواهند شد.

زو^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود تحت عنوان «اثر متقابل نوآوری و استانداردسازی: بررسی ارتباط در کشورهای در حال توسعه» استانداردسازی را ابزار بسیار مهمی برای راه‌اندازی نوآوری در یک فرایند توسعه‌یافته می‌دانند که هم ایجاد و هم اجرای نوآوری را دربر می‌گیرد. آنها معتقدند استانداردسازی به عنوان فرایندی از توسعه استانداردها برای ایجاد تمرکز بر یک فناوری نوظهور، موقعیت ویژه‌ای را عرضه می‌کند و این به نوبه خود با افزایش اقتصادهای مقیاس و مزایای شبکه، انتشار نوآوری را تسهیل می‌کند.

گودت و پویسارد^۶ (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «طراحی و کاربرد منابع برنامه درسی برای معلمان و مدرسان» به پنج فعالیتی که معلمان باید انجام دهند اشاره کرده‌اند که عبارتند از: دانش‌آموزان را با مهارت دست آشنا کنید، آنها را وادار به تمرین کنید، آنها را وادار کنید که بپرسند و استدلال کنند، آموزش را با دانش‌آموزان مختلف هماهنگ کنید و کارهای دانش‌آموزان را مشاهده و تحلیل کنید.

بلایند و مانگلسدور^۷ (۲۰۱۶) در تحقیق خود تحت عنوان «انگیزه‌های استانداردسازی: شواهد تجربی از آلمان» نتیجه تحقیقات خود را این گونه بیان می‌کنند

استانداردسازی به حذف خطاها کمک می‌کند؛ زیرا مخزن حافظه سازمانی است و بهترین دانش موجود و تجربیات گذشته را بیان می‌کند. استانداردسازی، روش خوبی برای دستیابی به همگنی کارکنان، یکپارچگی و فعالیت‌های هماهنگ است که همه آن‌ها برای کاهش خطا مهم هستند.

پاناگیوتوپولو^۱ (۲۰۱۸) هنردرمانی را موجب توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان می‌داند که از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با اضطراب یا عدم اطمینان، مقابله کنند و در نتیجه، منجر به موفقیت بیشتر تحصیلی آنها در برنامه‌های درسی مدرسه شود. فرصت شرکت در فعالیت‌های عاطفی، آنها را قادر می‌سازد تا در بزرگسالی، مسئولیت‌پذیر، مولد و از نظر عاطفی، سالم باشند. آنها نه تنها با مدرسه خود پیوندهای محکمی برقرار می‌کنند بلکه تمام مهارت‌های لازم را برای موفقیت کسب می‌کنند.

اسکوبلوا^۲ (۲۰۱۴) در مقاله خود در زمینه عوامل اصلی اجرای موفقیت‌آمیز استاندارد آموزشی، بیان می‌کند که در مرحله‌ای از شکل‌گیری حرفه‌ای لازم است که کارکنان دارای سیستم تشویقی اخلاقی و مادی باشند. وی همچنین فضای مکانی و اجتماعی، تأمین مالی کافی و ایجاد شرایط غنی اجتماعی رشد دانش‌آموزان را عوامل اجرای موفقیت‌آمیز استانداردهای آموزشی دانسته است.

پوزدوا و پلاتنیکوا^۳ (۲۰۱۵) در مقاله خود تحت عنوان «اشکال سازماندهی فعالیت‌های آموزشی جمعی در دبستان» بیان می‌کنند که فعالیت آموزشی، یک فعالیت متقابل معلم و دانش‌آموزان است که در آن، دانش‌آموزان، شرکت‌کننده مهم و تأثیرگذار در فرایند آموزشی هستند و معلم، هم تسهیل‌کننده و هم شرکت‌کننده این فرایند است؛ به همین دلیل اساسی،

4- Gajardo and Grau

5- Zoo

6- Gueudet and Poisard

7- Blind and Mangelsdorf

1- Panagiotopoulou

2- Skobeleva

3- Pozdeeva and Plotnikova

که تحقیقات ما تأیید می‌کند که استاندارد شدن رسمی صلاحیت، نوعی اتحاد استراتژیک را دارد. ما انگیزه‌های کلی موجود را برای ایجاد اتحادهای استراتژیک با انگیزه‌های استانداردسازی خاص مرتبط کنیم و یک طبقه‌بندی تجربی مبتنی بر انگیزه‌های استانداردسازی را با استفاده از تحلیل عاملی استخراج کردیم. تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی، پنج گروه گسترده انگیزه برای مشارکت در اتحادهای استاندارد را نشان می‌دهد: جست‌وجوی دانش، دسترسی به بازار، راه‌حل فنی، مقررات و منافع شرکت.

ب) پژوهش‌های داخلی

مرادی دهقی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف طراحی الگوی اسلامی ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور با استفاده از رویکرد پارادایمی اشتراوس و کوربین^۱ (۱۳۹۳) برای نظریه داده‌بنیاد و به روش کیفی انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه صاحب‌نظران، کارشناسان و مدیرانی بود که در یکی از عرصه‌های مهارت‌آموزی رسمی (آموزش و پرورش) و غیررسمی (سازمان فنی و حرفه‌ای کشور) تجربه و حضور داشتند که ۱۷ نفر به صورت هدف‌مند و براساس راهبرد گلوله برفی برای انجام مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد: مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه و غیرفنی دانش‌آموزان، مهارت‌های فنی و شغلی دانش‌آموزان، تربیت حرفه‌ای مبتنی بر مهارت و شایستگی، تقویت ارزش‌های اسلامی و ایرانی کار، انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و تخصص‌گرایی در آموزش و پرورش به عنوان مقوله محوری مطرح شدند. مقوله‌های کیفیت آموزش و تدریس و یادگیری، توجه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، رویکرد و راهبرد در مهارت‌آموزی، وجود معلمان ماهر و کارآمد، تخصص‌گرایی، آینده‌پژوهی و آینده‌نگری و کیفیت آموزش و تدریس به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقش فعال در مهارت‌آموزی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند،

مهارت‌آموزی شکل نمی‌گیرد. مهم‌ترین راهبردهای اتخاذ شده در این پژوهش عبارتند از: فرهنگ‌سازی، تحول در برنامه درسی، تحول در محیط‌های یادگیری، تحول در روش‌های سنجش و ارزشیابی، تحول در کتاب‌ها و محتوای درسی، بهداشت و ایمنی کار، زیرساخت‌ها و تجهیزات، همکاری و ارتباطات بین‌المللی آموزشی و پژوهشی، نیازسنجی و تأمین منابع مالی، شرایط بستر در پژوهش کنونی مقوله‌هایی‌توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی، ساختار سازمانی، انگیزه حمایت از تغییر و مدیریت عملکرد تغییرمدار هستند. مقوله‌های محدودیت‌ها و مشکلات قانونی، عدم‌باور و تعهد به مهارت‌آموزی و مشکلات آموزش‌های مهارت‌آموزی به عنوان شرایط مداخله‌گر الگوی پارادایمی مورد توجه قرار گرفته‌اند. پیامد پژوهش نیز پیشرفت و اشتغال‌زایی است. باقری‌فر و صالحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با استفاده از رویکرد کیفی، چالش‌های اساسی مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پسرانه شهرستان تربت حیدریه را مورد کنکاش و واکاوی قرار دادند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند آغاز شد و در مجموع در مصاحبه چهل و پنجم (۱۵ هنرآموز و ۳۰ هنرجو) اشباع داده‌ها حاصل شد. نتایج نشان دادند تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز، به‌روز و عملی نبودن کتب درسی، ناکافی بودن منابع مالی، به‌روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان، دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستان‌ها و عدم‌ارتباط لازم بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار، از جمله مهم‌ترین معضلات هنرستان‌ها هستند.

آقامحمدی و کریمیان (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در اجرای عناصر برنامه درسی از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان دیواندره پرداختند. نتایج نشان داد که در اهداف، محتوا و مواد آموزشی برنامه‌های درسی به مؤلفه‌های کارآفرینی

1- Strauss and Corbin

در حد کمی توجه شده است. در عنصر روش تدریس برنامه درسی به مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی، توجه کافی شده اما در ارزشیابی برنامه درسی، جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی، در حد متوسط دیده شده است. نتیجه کلی بیانگر آن است که جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در برنامه درسی، مطلوب نیست.

نادری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «الگوسازی مفهومی تأثیر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بر نگرش هنجاریان به کسب و کار در هنرستان‌های کاردانش»، ویژگی‌های شخصیتی هنجاریان، ویژگی‌های مربیان، فضا و تجهیزات آموزشی، محتوای آموزش و شیوه‌های آموزش که عناصر جدایی‌ناپذیر ارزیابی وضعیت آموزش کارآفرینی هستند را به همراه متغیرهای مشاوره تحصیلی و شغلی و سبک رهبری تحولی و متغیر الگوهای تربیتی هنجاریان در خانواده که به بررسی نقش ارزش‌های تربیتی والدین بر نگرش فرزندان می‌پردازد را مهم‌ترین مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بیان کرده‌اند.

شاکری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد» پدیده اصلی هم‌راستایی آموزش‌ها را تحت تأثیر عواملی از قبیل توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش، حرفه‌مندی، توجه به نیازهای بازار کار، توسعه متوازن آموزش فنی و حرفه‌ای، انگیزش، بهره‌گیری از شیوه‌ها و امکانات مناسب آموزشی، نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت دانستند و معتقدند که بدون وجود و کارکرد درست آنها، دستیابی به تناسب آموزش‌ها ممکن نیست.

۳- مبانی نظری

در یک اقتصاد پویا و رقابتی، ایده‌ها، محصولات و خدمات، در حال تغییر هستند و در این میان، کارآفرینی است که می‌تواند الگویی برای مقابله و سازگاری با

شرایط جدید به ارمغان آورد. ایجاد فرهنگ کسب و کار و فرهنگ کارآفرینی در جامعه، آموزش مهارت‌های عمومی کسب و کار به افراد و سیاست‌گذاری مناسب از سوی نهاد دولت، مجموعه عواملی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند به ترویج و توسعه کارآفرینی در جامعه بیانجامد (احمدپور داریانی و عرفانیان، ۱۳۸۸). روی آوردن به کسب و کارهای کارآفرینانه، به دلیل نقش عمده آنها در تولید اشتغال و ثروت، یکی از عوامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن است. کارآفرینان، در این فرایند، با شناسایی فرصت‌های جدید، تحلیل نیازهای مشتریان و سازماندهی منابع و سرمایه‌ها منجر به بقای کسب و کار خواهند شد (بارانی و علی‌بیگی، ۱۳۹۲).

یکی از ابعاد تحلیلی مسئله کارآفرینی، پرداختن به بهره‌وری کار در بخش‌های مختلف اقتصادی است. ارتقای بهره‌وری، از این لحاظ که باعث استفاده بهتر و بیشتر از امکانات محدود کشور می‌گردد و منجر به رشد و رفاه بالاتر با استفاده از همان منابع می‌شود، از متغیرهای اساسی هر برنامه توسعه است (تاج‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶). بی‌تردید کارآفرینی، نقشی بسیار کلیدی در اقتصاد شهری و دستیابی به توسعه اقتصادی دارد و اقدامات کارآفرینانه در محیط شهری می‌تواند در بهبود عملکرد شهری، مؤثر باشند؛ لذا امروزه مدیریت شهری در شهرهای کلان با برنامه‌ریزی سیستماتیک سعی می‌کند تا با فراهم آوردن بستر مناسب برای کارآفرینان شهری، موجب رشد و توسعه اقتصادی شهر شود؛ زیرا هزینه کردن برای آماده‌سازی این بستر، نوعی سرمایه‌گذاری است که سود نهایی و ارزش‌افزوده آن در انتها به خود شهر و مجموعه تزریق می‌شود (اکرامی و همکاران، ۱۳۹۳).

در زمانی که اقتصاد شهرها بیش از پیش جهانی می‌شود و بخش خدمات، متنوع‌تر می‌گردد، شغل‌ها، تخصصی‌تر می‌شوند و در نتیجه، نیاز به افزایش آگاهی‌ها برای ارتباط با جهان نوین، سرعت پیدا می‌کند، آموزش از طریق شکل‌دهی مشارکت بین سازمان‌های گوناگون

خصوصی و عمومی، ساختار لازم برای پیشرفت را فراهم می‌کند. شاخص‌های مربوط به آموزش؛ از جمله امید به تحصیل، کیفیت آموزش و آموزش در حین کار باید شامل آموزش رسمی و غیررسمی گردد (محمدپورزرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۴). بنابراین از مهم‌ترین نشانه‌های حرکت شتابنده یک کشور در تحقق توسعه متوازن و پایدار، میزان و کیفیت سرمایه‌گذاری آن برای آموزش مهارتی است. پرواضح است که ضرورت این سرمایه‌گذاری در هنرستان‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای که همه‌ساله با تعداد زیادی از دانش‌آموزان سروکار دارد، دوچندان است. این توجه از آنجا نشأت می‌گیرد که امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، هنرستان‌ها به عنوان مراکز اصلی پرورش قابلیت تولید کار و شهروندانی کارآفرین (نه دانش‌آموزانی کارجو)، مورد توجه جدی متولیان آموزشی قرار دارند (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۵). معرفی آموزش‌های تخصصی در دبیرستان، مستلزم تغییر در نیازهای اجتماعی، توسعه رویکردهای جدید، محتوای جدید، اشکال و روش‌های جدید و همچنین روش‌های جدید آموزش تدریس در رشته‌های دبیرستانی با ماهیت علمی است (Mayorova et al., 2018). برای آماده کردن نسل حاضر برای زندگی در آینده، آموزش و پرورش باید با شناخت روح زمانه و نیازهای نشأت گرفته از آن، پاسخگوی تقاضاهای مبتنی بر شرایط جدید باشد و خود را با آن منطبق سازد. از این رو، اقدام به تحولات اساسی در آموزش و پرورش به عنوان زیربنای توسعه و بر پایه نیازهای امروز و تجربه‌های جهانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Mazerolle et al., 2012).

استانداردسازی، نماد حاکمیت عقلانیت و تعهد جمعی در یک کشور است و یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش بهره‌وری، رضایتمندی ذی‌نفعان و رشد اقتصادی یک کشور است. در واقع، هدف استانداردسازی، حفظ منابع و جلوگیری از هدررفت آنهاست (بحیرایی، ۱۳۹۳). نظام آموزشی، یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های خدماتی در

هر کشور است که وظیفه مهمی چون تعلیم و تربیت قشر عظیمی از جامعه بر عهده آن نهاده شده است. آموزش و پرورش، جریان جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه است، جریانی است که طی آن، مجموعه اعتقادات، رسوم و اخلاق، هنجارها، ارزش‌ها، رفتارها، دانش‌ها، مهارت‌ها و فنون جامعه، به نسل‌های جدید منتقل می‌شود. این‌گونه که به نظر می‌رسد که یکی از مفیدترین و مؤثرترین گام‌های ایجاد اثربخشی و افزایش بهره‌وری در این فعالیت‌ها، استانداردسازی آنها باشد تا از طریق آن، خط سیر فعالیت‌ها به خوبی شناسایی شوند و در راستای دستیابی به اهداف متعالی این نظام، جریان یابد. به درستی می‌توان ادعا کرد که اطمینان از خدمات ارائه شده، ارتقای رضایتمندی مراجعین، افزایش بهره‌وری (اثربخشی و کارایی) منابع انسانی، تنها در گرو تعریف و تدوین استانداردهای کیفی در این نظام می‌باشد (خنifer و همکاران، ۱۳۸۹).

استانداردسازی، چارچوب مشترکی را ایجاد می‌کند که بر مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه، متمرکز است. روش‌های استاندارد ارزیابی و ارزیابی امکان مقایسه کیفیت آموزشی در مناطق، شهرها و کشورها را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، استانداردسازی و شیوه‌های ارزیابی نیز محدود است؛ زیرا عوامل زمینه‌ای مانند شرایط محلی، منطقه‌ای و ملی و تأثیرات آن‌ها بر افراد، کلاس‌ها و سازمان‌ها را نادیده می‌گیرد. جنبه‌های محتوایی برای قضاوت در مورد کیفیت، مهم هستند و جنبه‌های محتوایی کیفیت آموزش، اهمیت بیشتری دارند (Huber & Skedsmo, 2017).

آماده‌سازی هنرجویان برای ورود به کار در عصر حاضر، نیاز به تخصص ویژه‌ای دارد که در دنیای اقتصاد امروزی، به کارآفرینی معروف است (حیاتی، ۱۳۹۷). کارآفرینی، موتور محرک تغییرات اجتماعی و توسعه پایدار است و حیات اجتماعی مولد در تخریب سازنده و جایگزینی برنامه‌ها و بنیادهای کهنه، منسوخ شده و بی‌بازده و کج‌روی‌های ناشی از آنها است (مهدی،

۴- روش تحقیق

این پژوهش، از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و راهبرد اصلی آن استفاده از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی و طرح اکتشافی است. از ویژگی‌های روش اکتشافی آن است که گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو رویکرد کمی و کیفی به صورت غیر هم‌زمان و ترتیبی اتفاق خواهد افتاد. در این روش، اولویت با رویکرد کیفی است؛ لذا ابتدا شناسایی مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌های شهر تهران به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره‌وری اقتصادی، با استفاده از روش کیفی و از طریق مطالعه و بررسی ادبیات، تحلیل مدارک علمی موجود و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته در این زمینه صورت گرفت و سپس برای بررسی اهمیت هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، از طریق پرسشنامه محقق ساخته به اعتباریابی پرداخته شد؛ لذا می‌توان گفت که پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های آمیخته اکتشافی می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش، در بخش کیفی شامل خبرگان و متخصصان و اسناد و مدارک مرتبط با حوزه مورد مطالعه است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند صورت پذیرفت. نمونه‌گیری، تا جایی ادامه یافت که محقق نتیجه گرفت اطلاعات جدید، تکرار همان اطلاعات قبلی است و دیگر اطلاعات مفهومی جدیدی که نیاز به کد جدید یا گسترش کدهای موجود داشته باشد، به دست نیامد (اشباع نظری) و در این زمان، نمونه‌گیری خاتمه یافت. در نتیجه از بین جامعه مورد نظر تعداد ۱۱ نفر به عنوان نمونه برای گردآوری داده‌ها انتخاب گردید. همچنین جامعه آماری بخش کمی را کلیه مدیران هنرستان‌های شهر تهران تشکیل می‌دهد که جمعاً تعداد ۳۲۹ نفر بودند و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۷۷ نفر به عنوان حجم نمونه، تعیین شد. در انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. برای اطمینان از روایی پژوهش، از بررسی توسط اعضا (مصاحبه‌شوندگان) و روش چندسویه‌نگری منابع

(۱۳۹۴). در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی‌های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری، کمبود نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه‌گذاری، سکون و رشد اقتصادی ناکافی روبه‌روست، پرورش و آموزش کارآفرینان ارزش‌آفرین، از اهمیت مضاعفی برخوردار است (مجلل چوبقلو و همکاران، ۱۳۹۰). از دید اکثر متخصصان و صاحب‌نظران اقتصادی مدیریتی، کارآفرینان، موتور اصلی رشد اقتصادی جامعه هستند (Harkema & Schout, 2008). آنها می‌توانند اقتصاد جامعه را در شرایط رقابتی نگه دارند و توسعه بخشند (Raposo & Do Paço, 2011). با توجه به اینکه کارآفرینی را داروی معجزه‌گر برای حل مشکلات اقتصادی جامعه می‌دانند (Yildirim & Aşkun, 2012) و در تأثیرات مثبت آن تردیدی وجود ندارد، می‌توان گفت که مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، به‌عنوان محل تجمع تفکر و اندیشه‌های یک جامعه، دارای زمینه‌های مناسب برای ایجاد فکر و اندیشه جدید هستند و می‌توانند مکان مناسبی برای پرورش خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی باشند (آقامحمدی و کریمیان، ۱۳۹۶). برای بیشتر جوامع به ویژه کشور ما که از یک طرف درگیر مسائل و مشکلات اقتصادی، تحریم‌ها، بیکاری و ... و از طرف دیگر به دنبال رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال، خودکفایی اقتصادی و کم کردن وابستگی به درآمدهای نفتی و تولید و افزایش صادرات غیرنفتی می‌باشد، مقوله کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار، امری بسیار مهم و حیاتی می‌باشد؛ لذا محققان، مدیران و دولتمردان باید به این مهم توجه جدی داشته باشند و در این خصوص، از هرگونه سرمایه‌گذاری؛ اعم از فکری، فرهنگی، انسانی، مالی و ... دریغ نکنند. بدین منظور، این پژوهش بر آن است تا مؤلفه‌ها و عناصر استانداردسازی هنرستان‌ها را در راستای توسعه کارآفرینی، بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره‌وری اقتصادی، شناسایی کند و با ارائه یک مدل، گامی مؤثر در این زمینه بردارد.

۵- یافته‌های پژوهش

پس از بررسی منابع علمی معتبر، برای تعیین شاخص‌های استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران و همچنین مصاحبه با خبرگان در این حوزه، به کدگذاری و تحلیل نتایج پرداخته شد. در کدگذاری باز، متن هر مصاحبه چندبار خوانده و جملات اصلی آن استخراج شد و به صورت کدهایی ثبت گردید. سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، به صورت دسته‌هایی درآمدند و در مرحله بعدی، آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگ‌تری قرار گرفتند و در کدگذاری محوری، کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام موارد مشابه، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شدند حول محور مشترکی قرار گرفتند و در نهایت، همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، داده‌های به‌دست آمده، پس از تحلیل سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی به یکی از پنج مؤلفه آموزش و یادگیری، علمی و نوآوری، تربیت اقتصادی و اجتماعی، مدیریت و ارزیابی و مشاوره تحصیلی، کدگذاری و مرتبط شده‌اند.

داده‌ها و برای محاسبه پایایی کدگذاری‌های انجام شده، از روش پایایی بازآزمون و پایایی توافق درون موضوعی (توافق بین دو کدگذار) استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، از روش کدگذاری سه مرحله‌ای، تحت عنوان کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شد و در بخش دوم پژوهش، بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی، پرسشنامه‌ای مشتمل بر تمامی شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌های شهر تهران به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی، طراحی شد و به منظور تأیید داده‌های استخراج شده از تحلیل کیفی، در اختیار نمونه کمی (۱۷۷ نفر از مدیران هنرستان‌ها) قرار داده شد. از آن جا که محتوای پرسشنامه، مؤلفه‌هایی را نشان می‌دهد که دارای بالاترین ضریب اهمیت هستند، با توجه به تأیید سؤالات توسط خبرگان، روایی محتوای پرسشنامه، تأیید شد. همچنین به منظور پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است که ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه، ۹۳ درصد می‌باشد و از پایایی مطلوبی برخوردار است. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به دو روش توصیفی و استنباطی از طریق نرم‌افزار SPSS 16 و Smart PLS انجام گرفت.

جدول ۱- نتایج کدگذاری در مرحله کیفی

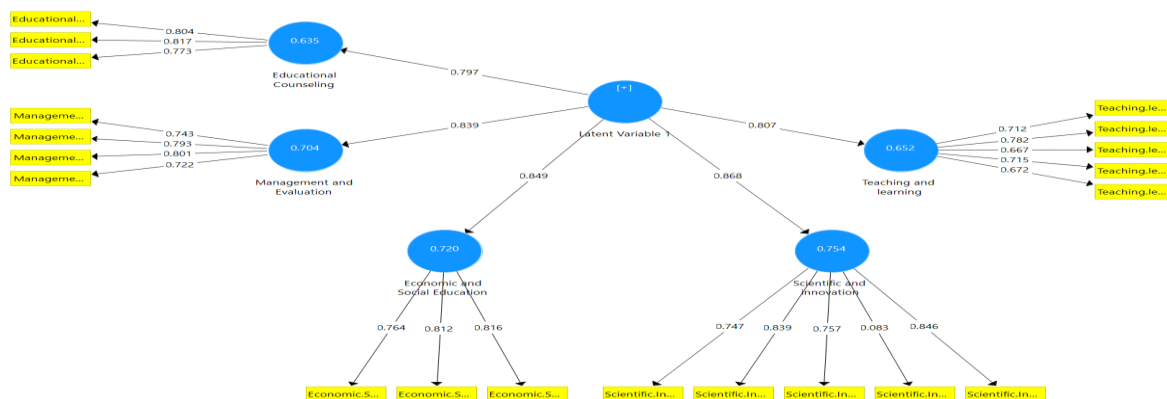
مقوله کلی	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
آموزش و یادگیری	روش‌های تدریس فراشناختی	یادگیری برای یاد دادن- پرسش و استدلال- روش پروژه
	آموزش به روش تلفیقی	شیوه‌های تدریس- شیوه‌های آموزش- تلفیق آموزش و عمل- شکوفایی آموزش
	ارتباط سازنده با عوامل مؤثر بر یادگیری	شیوه‌های ارتباطی- ارتباطات موجود در طبیعت و جامعه- ارتباطات بین‌المللی آموزشی و پژوهشی
	ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری	برنامه‌ریزی آموزشی- فرصت‌های غنی‌سازی آموزشی- فرصت‌های آموزشی اضافی- فعالیت‌های فوق برنامه آموزشی و فرهنگی- مدارس خصوصی آمادگی امتحانات- فرصت تصمیم‌گیری
	فضای تعاملی میان مربی و متربی	معلم هم تسهیل‌کننده و هم شرکت‌کننده- فعالیت متقابل معلم و دانش‌آموزان- دانش‌آموزان شرکت‌کننده مهم و تأثیرگذار- فعالیت آموزشی- کار گروهی
علمی و نوآوری	تناسب رشته‌های هنرستانی با پیشرفت صنعت و نیاز جامعه	آینده‌پژوهی و آینده‌نگری- وضعیت کار و اقتصاد- توزیع رشته‌های هنرستانی- ارتباط بین شغل و رشته تحصیلی- ارتباط بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار- رشته‌های دارای بازار کار
	نیازسنجی	نیاز جامعه- نیاز به مهارت‌آموزی- نیاز بازار- نیازهای بهداشت روانی- پیش‌بینی نیازهای آتی- بررسی وضعیت موجود آموزش- پاسخگوی نیازهای مخاطبان
	به‌روزرسانی محتوای آموزشی	محتوای آموزشی- سرفصل‌ها و کتب درسی- محتوای دروس مطابق استانداردها روز- به‌روز کردن دانش- منابع و کتب استاندارد- توسعه رویکردهای جدید
	ارتباطات بین رشته‌ای و چندسوادی	ارتباط با جهان علم و علم جهانی- ارتباطات بین رشته‌ای قوی- ارتباط به زبان مادری- چند سوادی- ارتباطات در زبان‌های خارجی
	تحول و نوآوری	در نظر گرفتن تفاوت نسل‌ها- تحول در برنامه درسی- تحول در محیط‌های یادگیری- برنامه‌ریزی راهبردی نوآوری- تحول در کتاب‌ها و محتوای درسی
تربیت اقتصادی و اجتماعی	بستر سازی فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به جایگاه مهارت آموزی	دیدگاه جامعه و والدین نسبت به هنرستان‌ها- نگرش مدیران ارشد- نگرش اولیا- فرهنگ‌سازی- تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت‌آموزی و ارزش کار تولیدی
	کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار	اشتغال- درآمدزایی- کارآفرینی- ایده کارآفرینی- توجه به مقوله کارآفرینی- زایش تولیدات نوآورانه
	رشد سرمایه اجتماعی	مسائل اجتماعی- تغییر در نیازهای اجتماعی- ایجاد شرایط رشد اجتماعی دانش‌آموزان- توسعه مهارت‌های اجتماعی
مدیریت و ارزیابی	راهبرد ارزیابی از عملکرد ارکان مدرسه	عملکرد هنرستان‌ها- چگونگی ارزیابی عملکرد کارکنان- روش‌های ارزیابی- ارزیابی عملکرد معلمان
	ارزشیابی تحصیلی فرایندمدار و نتیجه‌محور	ارزشیابی برون‌داد- عدم تمرکز صرف بر نمرات آزمون‌های استاندارد- مشاهده و تحلیل کارهای دانش‌آموزان- روش‌های سنجش و ارزشیابی- موازین سنجش و اندازه‌گیری
	رویکرد مدیریتی تغییرپذیر و مشارکت‌جو	رهبری تحولی- مدیریت بودجه- مدیریت توانمند- مدیریت مشارکتی
	تمرکززدایی	دادن اختیار به هنرستان‌ها- انتخاب و اختیار- الگوی از پایین به بالا نه از بالا به پایین
مشاوره تحصیلی	ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره	مشاوره تحصیلی و شغلی- شکوفایی استعدادها- آشنایی والدین با هنرستان- انتخاب رشته- هدایت تحصیلی- ویژگی‌های شخصیتی هنرجویان
	انطباق ویژگی‌های شخصیتی با رشته تحصیلی	ادامه تحصیل هنرجویان- استعدادسنجی مناسب قبل از جذب هنرجویان- معیار برای پذیرش هنرجو- انگیزه دانش‌آموزان- استعداد دانش‌آموزان- علاقه دانش‌آموزان
	توجه به تفاوت‌های فردی و خانوادگی هنرجویان	هماهنگ کردن آموزش با دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی- تفاوت‌های فرزندپروری در دوران کودکی- تأثیر تحصیلات والدین بر آموزش فرزندان- تأثیر شرایط مالی خانواده در ایجاد فرصت‌های آموزشی

تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها (تحلیل کمی)

۱- پاسخ به سؤال اصلی تحقیق: مدل مناسب برای تعیین شاخص‌های استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران چیست؟

الف) تحلیل عاملی اکتشافی: به منظور بررسی و تعیین شاخص‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها در

راستای کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شد و از آن صرف‌نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل‌قبول است و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد؛ بسیار مطلوب است.



نمودار ۱- مدل تحلیل عاملی شاخص‌های استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران

جدول ۲- مدل تحلیل عاملی شاخص‌های استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران

عنوان مؤلفه	بار عاملی	شاخص	بار عاملی مؤلفه
آموزش و یادگیری	۰/۷۱۲	روش‌های تدریس فرارشناختی (پرورش مهارت تفکر و اندیشیدن در هنجاریان و نیز مهارت به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های مختلف)	۰/۶۵۲
	۰/۷۸۲	آموزش به روش تلفیقی	
	۰/۶۶۷	ارتباط سازنده با عوامل مؤثر بر یادگیری	
	۰/۷۱۵	ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری	
	۰/۶۷۲	فضای تعاملی میان مربی و متربی	
علمی و نوآوری	۰/۸۴۶	تناسب رشته‌های هنرستانی با پیشرفت صنعت و نیاز جامعه	۰/۷۵۴
	۰/۰۸۳	نیازسنجی	
	۰/۷۵۷	به‌روزرسانی محتوای آموزشی	
	۰/۸۳۹	ارتباطات بین‌رشته‌ای و چند سواد	
	۰/۷۴۷	تحول و نوآوری	
تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰/۸۱۶	بسترسازی فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به جایگاه مهارت‌آموزی	۰/۷۲۰
	۰/۸۱۲	کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار	
	۰/۷۶۴	رشد سرمایه اجتماعی (ارتباطات اجتماعی که می‌تواند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورد)	
مدیریت و ارزیابی	۰/۷۴۳	راهبرد ارزیابی از عملکرد ارکان مدرسه	۰/۷۰۴
	۰/۷۹۳	ارزشیابی تحصیلی فرایندمدار و نتیجه‌محور	
	۰/۸۰۱	رویکرد مدیریتی تغییرپذیر و مشارکت‌جو	
	۰/۷۲۲	تمرکز زدایی	
مشاوره تحصیلی	۰/۸۰۴	ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره	۰/۶۳۵
	۰/۸۱۷	انطباق ویژگی‌های شخصیتی با رشته تحصیلی	
	۰/۷۷۳	توجه به تفاوت‌های فردی و خانوادگی هنجاریان	

که «خیلی مطلوب» است. تعداد ۱ گویه، بارعاملی ۰/۰۸۳ داشت که به دلیل اینکه از ۰/۳ کمتر بود، از روند تحلیل حذف گردید. در ادامه، اطلاعات ضریب مسیر نمایش داده می‌شود:

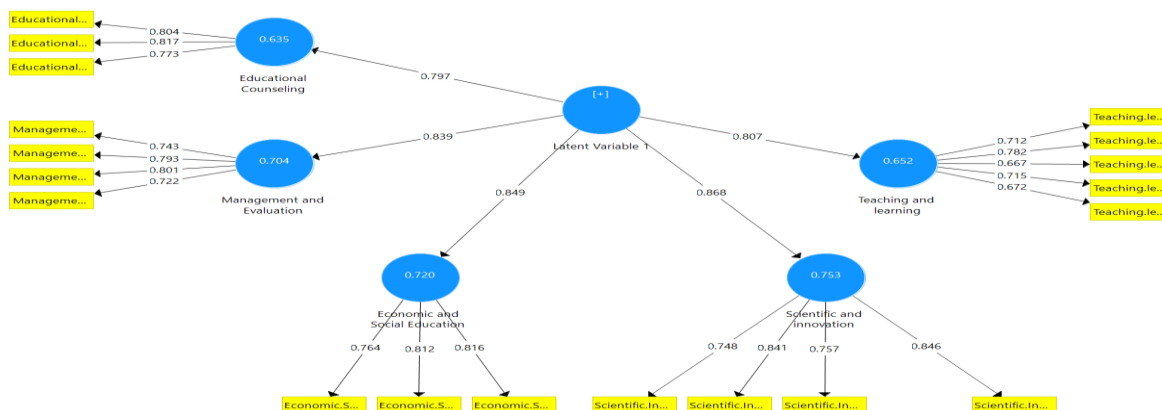
همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، از بین ۲۰ گویه، ۱۹ گویه به دلیل آنکه بار عاملی کمتر از ۰/۳ وجود نداشت، از روند تحلیل عاملی حذف نگردیدند و همچنین به دلیل اینکه بزرگ‌تر از ۰/۶ بود نشان داد

جدول ۳- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی

ردیف	مسیر	ضریب مسیر	معناداری
۱	عوامل علمی و نوآوری <<< عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰/۸۶۸	معنادار
۲	عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی <<< عوامل مدیریت و ارزیابی	۰/۸۴۹	
۳	عوامل مدیریت و ارزیابی <<< عوامل آموزش و یادگیری	۰/۸۳۹	
۴	عوامل آموزش و یادگیری <<< عوامل مشاوره تحصیلی	۰/۸۳۷	
۵	عوامل مشاوره تحصیلی	۰/۸۰۷	

ب) تحلیل عاملی تأییدی: همان گونه که در مدل تحلیل عاملی اکتشافی ملاحظه شد، از بین ۲۰ گویه که معرف شاخص های استانداردسازی هنرستان ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران بود، به دلیل آنکه تعداد ۱ گویه،

بارعاملی ۰/۸۳ داشت و از ۰/۳ کمتر می‌باشد، از روند تحلیل حذف می‌گردد. لذا محقق با حذف مرحله‌ای این بارعاملی، مجدد شاخص ها را تحلیل می‌کند. نتایج، در نمودار ۲ قابل ملاحظه می‌باشد.



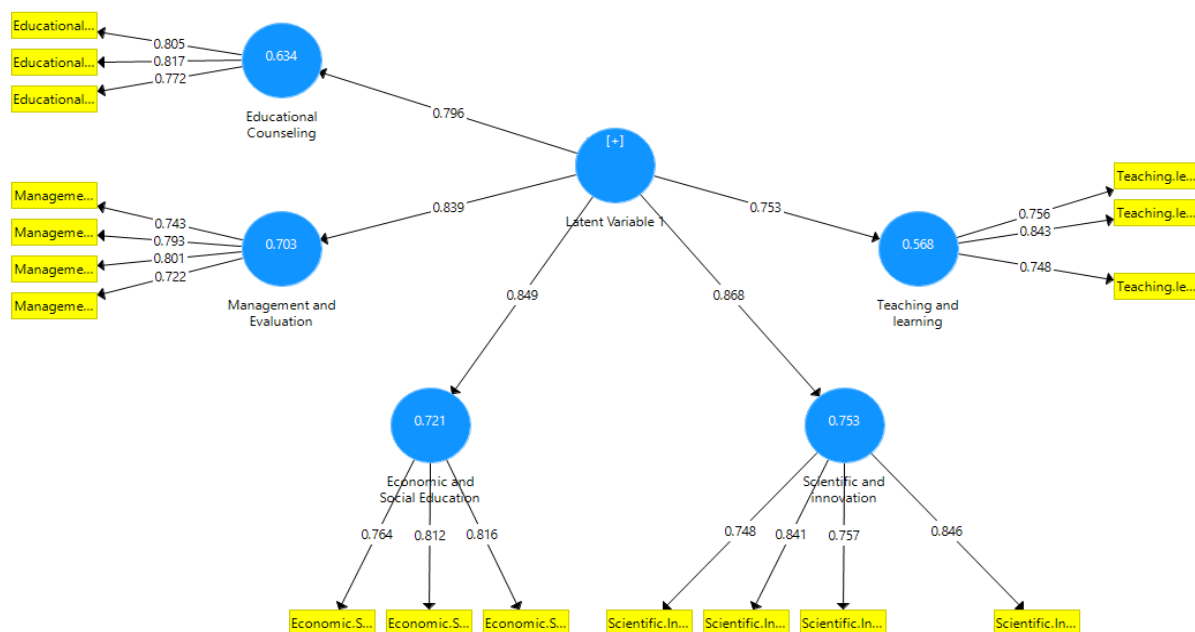
نمودار ۲- مدل تحلیل عاملی (تأییدی مرحله اول) شاخص های استانداردسازی هنرستان ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران با حذف بارعاملی ۰/۸۳

جدول ۴- مدل تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول و بارعاملی

ردیف	مسیر	بارعاملی مولفه	معناداری
۱	عوامل علمی و نوآوری	۰/۷۵۳	معنادار
۲	عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰/۷۲۰	
۳	عوامل مدیریت و ارزیابی	۰/۷۰۴	
۴	عوامل آموزش و یادگیری	۰/۶۵۲	
۵	عوامل مشاوره تحصیلی	۰/۶۳۵	

از بین کل گویه که معرف شاخص های استانداردسازی هنرستان ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران بود، به دلیل آنکه تعداد ۱ گویه، بارعاملی ۰/۸۳ داشت و از ۰/۳ کمتر بود، از روند تحلیل حذف گردید. با

توجه به اینکه کلیه گویه های باقیمانده، بزرگ تر از ۰/۶ بود، مدل «خیلی مطلوب» می‌باشد. اما محقق با حذف مرحله ای بارهای عاملی ۰/۶ و کمتر، به دنبال رتبه بندی مجدد شاخص ها با استفاده از تحلیل عاملی می‌باشد. نتایج در نمودار ۳ قابل ملاحظه است.



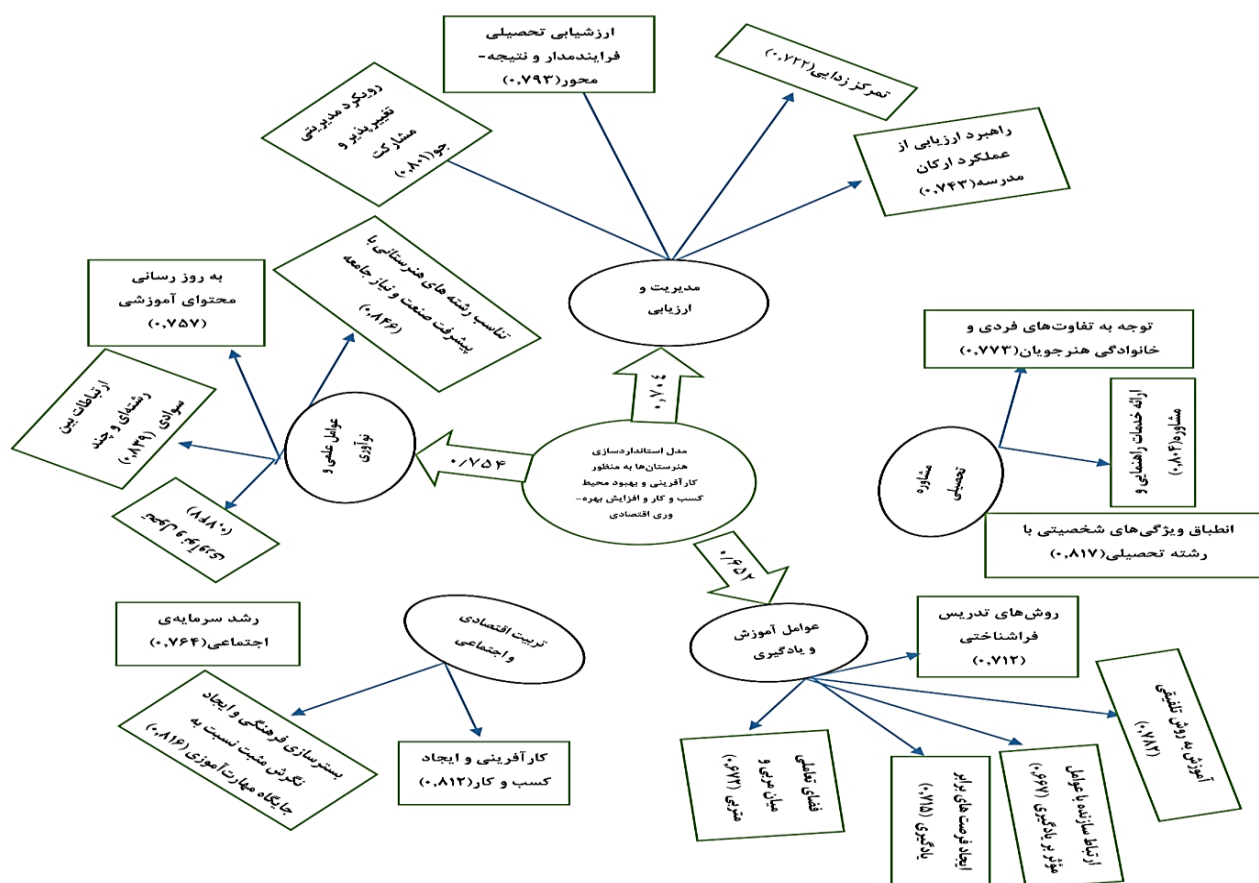
نمودار ۳- مدل تحلیل عاملی (تأییدی مرحله دوم) شاخص‌های استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران با حذف بارهای عاملی ۰/۶ و کمتر

جدول ۵- مدل تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم و بارعاملی

معناداری	بارعاملی مؤلفه	مسیر	ردیف
معنادار	۰/۷۵۳	عوامل علمی و نوآوری	۱
	۰/۷۲۱	عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی	۲
	۰/۷۰۳	عوامل مدیریت و ارزیابی	۳
	۰/۵۶۸	عوامل آموزش و یادگیری	۴
	۰/۶۳۴	عوامل مشاوره تحصیلی	۵

کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران
نشان داده شده است:

در نهایت، در شکل ۱ مدل استانداردسازی
هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط



شکل ۱- مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی

۱- گویه، بارعاملی 0.083 داشت و از 0.3 کمتر بود، از روند تحلیل حذف گردید. با توجه به اینکه کلیه بارهای عاملی بالای 0.6 بود؛ لذا هیچ یک از عوامل حذف نشد و هر پنج مؤلفه بالا، با شاخص‌های آنها، تحت عنوان ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران، مورد پذیرش قرار گرفت.

۳- پاسخ به سؤال فرعی دوم تحقیق: کدام یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران در اولویت می‌باشد؟ از جمع‌بندی در خصوص عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران سه عامل، با اولویت بالا مطرح گردید. بر اساس مدل تحلیل عاملی، عوامل علمی و نوآوری با بارعاملی

۲- پاسخ به سؤال فرعی اول تحقیق: مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران شامل چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟ از جمع‌بندی مطالعات و پژوهش‌های پیشین عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران، به دست آمد. این عوامل عبارتند از: ۱- آموزش و یادگیری ۲- علمی و نوآوری ۳- تربیت اقتصادی و اجتماعی ۴- مدیریت و ارزیابی ۵- مشاوره تحصیلی. سپس محقق در پرسشنامه این عوامل، ابعاد و مؤلفه‌ها را ارزیابی کرد و با استفاده از تحلیل عاملی، بارهای عاملی را بررسی کرد. از بین ۲۰ گویه که معرف شاخص‌های تعیین استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران بود، به دلیل آنکه تعداد

۰/۷۵۴، عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی با بارعاملی ۰/۷۲۰ و در نهایت، عوامل مدیریت و ارزیابی با بارعاملی ۰/۷۰۴، به عنوان عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران، به ترتیب از اولویت اول تا سوم هستند.

۴- پاسخ به سؤال فرعی سوم تحقیق: درجه تناسب مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران چیست؟ از جمع‌بندی مطالعات و پژوهش‌های پیشین عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدل

استانداردسازی به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران به دست آمد. وجود X^2 پایین و نسبت کای‌دو به درجه آزادی کمتر از سه، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. در این پژوهش با توجه به خروجی Smart PLS، نسبت X^2 محاسبه شده به درجه آزادی برای کل سازه، برابر با ۱/۱۶ برای علمی و نوآوری، برابر با ۱/۳۳ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۹۶ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۱/۲۴ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۱/۲۳ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد.

جدول ۶- شاخص‌های برازش الگو

شاخص	دامنه قابل قبول	علمی و نوآوری	تربیت اقتصادی و اجتماعی	مدیریت و ارزیابی	آموزش و یادگیری	مشاوره تحصیلی
خی‌دو (X^2)	-	۴۵/۲۶۸	۴۹/۱۴۷	۳۹/۲۵۸	۵۱/۰۱۱	۵۳/۰۰۳
درجه آزادی	-	۳۹	۳۷	۴۱	۴۱	۴۳
X^2/df	$3 \leq$	۱/۱۶	۱/۳۳	۰/۹۶	۱/۲۴	۱/۲۳
RMSEA	$0.08 \leq$	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۰/۰۱۵	۰/۰۲۹	۰/۰۴۳
RMR	$0.08 \leq$	۰/۰۴۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۳۳	۰/۰۳۷
NFI	نزدیک به ۱	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۹۷
CFI	نزدیک به ۱	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۶
GFI	نزدیک به ۱	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۷
AGFI	نزدیک به ۱	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۱	۰/۹۵

همچنین RMSEA محاسبه شده برای کل مدل، برابر با ۰/۰۱۶ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۰۱۳ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۰۱۵ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۰۲۹ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۰۴۳ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد. RMR محاسبه شده برای کل مدل برابر با ۰/۰۴۱ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۰۱۱ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۰۰۹ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۰۳۳ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۰۳۷ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد. در ادامه NFI محاسبه شده برای کل مدل برابر با ۰/۸۹ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۹۱ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی،

برابر با ۰/۹۳ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۹۸ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۹۷ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد. CFI محاسبه شده برای کل مدل برابر با ۰/۸۷ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۹۳ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۹۶ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۹۹ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۹۶ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد. همچنین در ادامه GFI محاسبه شده برای کل مدل برابر با ۰/۹۱ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۹۵ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۹۷ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۹۵ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۹۷ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد.

AGFI محاسبه شده برای مدل برابر با ۰/۸۹ برای علمی و نوآوری، برابر با ۰/۹۶ برای تربیت اقتصادی و اجتماعی، برابر با ۰/۹۷ برای مدیریت و ارزیابی، برابر با ۰/۹۱ برای آموزش و یادگیری و در نهایت برابر با ۰/۹۵ برای مشاوره تحصیلی می‌باشد. در پایان لازم به توضیح است که مقدار $RMSEA^1$ و RMR^2 کمتر از ۰/۸، GFI^3 و $AGFI^4$ بالای ۹۰ درصد و نزدیک به یک، همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همه این شاخص‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

امروزه، ایجاد اشتغال، کارآفرینی، بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی که از معضلات اساسی دولت‌ها و ملت‌های در حال توسعه می‌باشد، در مدیریت استراتژیک اقتصاد شهری به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود و در این راستا، مدیریت شهری، نقش مهمی را ایفا می‌کند. شهرها به جای این که مکان‌هایی بدون بازده برای سرمایه‌گذاری اقتصادی یا تراکم کارگران بیکار با انبوه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی باشند، باید به مراکز رشد و پویای اقتصادی و اجتماعی، در چارچوب توسعه ملی تبدیل شوند. تعامل مدیریت شهری و مدیران آموزش و پرورش در جهت استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار، نقشی بسیار کلیدی در دستیابی به بهره‌وری اقتصادی دارد و از این طریق، شرایط مطلوبی برای مدیریت شهری فراهم می‌شود تا با شناسایی پتانسیل‌های موجود در محیط کسب‌وکار اقتصاد شهری و معرفی آنها در شورای آموزش و پرورش برای ایجاد رشته‌های مرتبط با بازار کار در هنرستان‌ها و آموزش مهارت‌های عملی و تخصصی، گام‌های بهتری برای دستیابی به راهبردهای عملیاتی در

بهبود فعالیت‌های اقتصادی شهر بردارد. مدیریت شهری و مدیران آموزش و پرورش، با فراهم آوردن بستر مناسب برای آموزش هنرجویان هنرستانی و سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌توانند موجب رشد و توسعه اقتصادی شهر و بلکه کشور شوند. کشورهای صنعتی با رویکردی مناسب و ماهرانه راه تبدیل آموزش به شغل را یافته‌اند و آن، سوق دادن دانش‌آموزان به سمت هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد و هدف اصلی از آموزش را ایجاد شغل و بسترسازی برای اشتغال جوانان، بهبود اقتصاد شهری و توسعه ملی می‌دانند. ضریب اشتغال با توسعه مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها افزایش می‌یابد و دانش‌آموز، مهارت‌آموزی، استقلال طلبی، مثبت‌اندیشی و دیگر شرایط کلیدی زندگی در اجتماع را در محیط کار فرامی‌گیرد که این نوع توانمندسازی شهروندان، موجب ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه مهارت‌های فنی، مدیریتی و رشد سرمایه اجتماعی می‌گردد که خود عامل مهمی در تغییر نگرش و رفتار افراد است و مدیریت شهری را در مسیر رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید در جامعه کمک خواهد کرد؛ لذا ایجاد شرایط لازم برای استقبال دانش‌آموزان از هنرستان‌ها، امری ضروری و توجه به عوامل مؤثر بر استانداردسازی هنرستان‌ها جهت آموزش مهارت‌های مورد نیاز جامعه، اجتناب‌ناپذیر است. آموزش در رشته‌های هنرستانی، به دلیل کاربردی بودن و نیازی که اقتصاد و مدیریت شهری به این رشته‌ها دارد، فرصت بهتری را برای ورود به بازار کار ایجاد می‌کند و از آنجایی که رسالت مهم آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، تقویت روحیه تلاش، عشق ورزیدن به کار و ایجاد توانمندی در هنرجویان است، استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور ارتقای آموزش‌های عملی و مهارتی، به گونه‌ای که منجر به تولید محصول یا ارائه خدمات قابل عرضه به بازار گردد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

1- Root Mean Square Error of Approximation

2- Root Mean Square Residual

3- Goodness of Fit Index

4- Adjusted Goodness of Fit Index

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی در شهر تهران انجام شده است. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از روش تحقیق کیفی، عوامل علمی و نوآوری، تربیت اقتصادی و اجتماعی، مدیریت و ارزیابی آموزش و یادگیری، مشاوره تحصیلی، به عنوان عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی، به دست آمد. همان‌طور که در جدول ۵ آمده است، با استفاده از روش کمی و بر اساس مدل تحلیل عاملی، عوامل علمی و نوآوری، تربیت اقتصادی و مدیریت و ارزیابی، به ترتیب از درجه اهمیت اول تا سوم برخوردارند. همچنین همان‌گونه که در جدول ۶ آمده است، مقدار RMSEA و RMR کمتر از ۰/۰۸ و AGFI و GFI نزدیک به یک بوده و همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همه این شاخص‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند و شاخص‌های برازش الگو در تحلیل عاملی، برازش الگو را تأیید می‌کنند.

بر اساس نتایج این پژوهش، عوامل علمی و نوآوری اولویت اول مدل استانداردسازی هنرستان‌ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری اقتصادی بوده است که بر اساس آن باید رشته‌های هنرستان با پیشرفت صنعت و نیاز جامعه تناسب داشته باشند و محتوای آموزشی به‌روز گردد و تحول و نوآوری سرلوحه کار آموزش و پرورش قرار گیرد تا هنرجویان به کسب مهارت‌های زندگی بپردازند. همچنین ارتباطات بین رشته‌ای و چند سوادی یا به عبارت دیگر داشتن سوادهای گوناگون مالی، مدنی، محیطی، سلامتی، جهانی و ... برای هنرجویان هنرستان‌ها ضروری می‌باشد. در این زمینه، نتایج پژوهش، با تحقیقات مرادی دهقی و همکاران (۱۳۹۷)، باقری‌فر و صالحی (۱۳۹۵)، شاکری و همکاران (۱۳۹۸)، الاسمعیل و مک‌گایر (۲۰۱۵)، کرلی و موروزیدس (۲۰۱۵)، زو و همکاران (۲۰۱۷)، بلایند و

مانگلسدور (۲۰۱۶) هم‌سو می‌باشد. دومین اولویت مدل این پژوهش، توجه به عوامل تربیت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ بنابراین بسترسازی فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به جایگاه مهارت‌آموزی، کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار و نیز رشد سرمایه اجتماعی و ایجاد ارتباطات اجتماعی که می‌تواند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورد، از جمله شاخصه‌هایی است که باید مورد اهتمام دست‌اندرکاران سیستم تعلیم و تربیت رسمی قرار گیرد. در این خصوص، نتایج پژوهش با تحقیقات مرادی دهقی و همکاران (۱۳۹۷)، باقری‌فر و صالحی (۱۳۹۵)، آقامحمدی و کریمیان (۱۳۹۶)، الاسمعیل و مک‌گایر (۲۰۱۵)، آلوس^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، اسکوبلوا (۲۰۱۴) و بلایند و مانگلسدور (۲۰۱۶) هم‌سو می‌باشد.

عوامل مدیریت و ارزیابی، از دیگر اولویت‌های پژوهش حاضر می‌باشد؛ لذا راهبرد ارزیابی از عملکرد ارکان مدرسه، ارزشیابی تحصیلی فرایندمدار و نتیجه‌محور، رویکرد مدیریتی تغییرپذیر و مشارکت‌جو و تمرکززدایی، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که توجه به آنها می‌تواند یاریگر مدیران هنرستان‌ها باشد و منجر به ارائه آموزشی شود که در راستای بهبود کسب‌وکار، ایجاد اشتغال و بهره‌وری اقتصاد کشور، گامی مثبت تلقی گردد. نتایج پژوهش‌های مرادی دهقی و همکاران (۱۳۹۷)، آقامحمدی و کریمیان (۱۳۹۶)، نادری و همکاران (۱۳۹۴)، شاکری و همکاران (۱۳۹۸)، نیسین بویم و نوه (۲۰۱۸) و گاجاردو و گراو (۲۰۱۹) نیز مؤید این مطلب می‌باشد.

آموزش و یادگیری، بعد دیگر استانداردسازی هنرستان‌ها است که بیانگر ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری، ایجاد ارتباط با عوامل مؤثر بر یادگیری، ایجاد فضای تعاملی میان مربی و متربی، استفاده از روش‌های تدریس فراشناختی و آموزش به روش تلفیقی است و در این زمینه، نتایج پژوهش با تحقیقات نادری و

همکاران (۱۳۹۴)، باقری فر و صالحی (۱۳۹۵)، شاکری و همکاران (۱۳۹۸)، اسکولوا (۲۰۱۴)، اندرسن (۲۰۱۶)، پوزدوا و پلاتنیکوا (۲۰۱۵)، لی و همکاران (۲۰۱۶)، ماتسوکا (۲۰۱۸)، الاسمیل و مک گایر (۲۰۱۵)، گودت و پویسارد (۲۰۱۹) هم سو می باشد.

در نهایت، از عامل مشاوره تحصیلی نیز می توان به عنوان یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در استانداردسازی هنرستان ها به منظور کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار و افزایش بهره وری اقتصادی نام برد؛ زیرا ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره توسط متخصصین نظام آموزشی به ویژه مدیران و مشاوران مدارس و کمک به دانش آموزان و والدینشان در زمینه شناخت ویژگی های شخصیتی دانش آموزان و استعداد و توانایی های آنها در راستای انطباق با رشته های تحصیلی موجود در هنرستان ها و نیز توجه به تفاوت های فردی و خانوادگی هنرجویان، از جمله مواردی است که در آینده شغلی فرزندان جامعه و رونق اقتصادی کشور بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود. مطالعات نادری و همکاران (۱۳۹۴) و پاناگیوتوپولو (۲۰۱۸) نیز نتایج تحقیق حاضر را در این زمینه، تأیید می کنند.

براساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می شود مدیریت شهری و مسئولین آموزش و پرورش برای افزایش بهره وری و ارتقای کیفی آموزش در هنرستان ها به نکات ذیل توجه کنند: ۱- ایجاد تعامل بیشتر بین مدیریت شهری و مدیران آموزشی به ویژه مدیران هنرستان ها در راستای به روزرسانی رشته های هنرستانی بر اساس نیاز بازار و اقتصاد شهری ۲- کاربردی کردن محتوا و روش ارائه آموزش با توجه به جامعه و نیازهای بازار کار ۳- بسترسازی فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به جایگاه مهارت آموزی، کارآفرینی و خوداشتغالی ۴- تمرکززدایی و دادن اختیارات اجرایی به مدیران هنرستان ها مطابق با شرایط منطقه ای و امکانات موجود هر هنرستان ۵- ایجاد فضای تعاملی میان مربی و مربی و افزایش روحیه مشارکت و تعاون بین کارکنان واحد

آموزشی و فراگیران ۶- راهنمایی و مشاوره دانش آموزان و والدین آنها در بدو ورود به هنرستان و انتخاب رشته تحصیلی متناسب با علاقه، استعداد و توانایی فردی آنها.

۷- منابع

آقامحمدی، جواد؛ کریمیان، رضا. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه مؤلفه های شخصیتی کارآفرینی در اجرای عناصر برنامه درسی از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش شهرستان دیواندره. نشریه رشد آموزش فنی و حرفه ای و کاردانش، ۱۳(۱)، ۳۱-۲۴.

احمدپور داریانی، محمود؛ عرفانیان، امیر. (۱۳۸۸). تبیین ارتباط توسعه اقتصادی با دو مقوله توسعه کسب و کار و کارآفرینی. نشریه مهندسی صنایع و مدیریت، ۲۵(۴۹)، ۸۵-۹۲.

اکرامی، محمود؛ صفری، ثنا؛ قلمکاری، مهان؛ زرگر، امین. (۱۳۹۳). توسعه مؤلفه های کارآفرینی کارکنان شهرداری (مطالعه موردی: شهرداری منطقه ۷ تهران). فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۶)، ۷۱-۵۵. بارانی، شهرزاد؛ علی بیگی، امیرحسین. (۱۳۹۲). تحلیل رابطه عناصر سرمایه فکری با رفتارهای کارآفرینان در شناسایی فرصت های کسب و کار خلاق: کاربرد مدل سازی معادله ساختاری. نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۳(۲)، ۱۰۳-۱۲۸.

باقری فر، علی اکبر؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). چالش های مهارت آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان های فنی و حرفه ای: مطالعه ای به روش پدیدارشناسی. نشریه مهارت آموزی، ۴(۱۵)، ۷-۴۰. بحیرایی، مجتبی. (۱۳۹۳). استانداردسازی سازمان، فرایند و محصول. نشریه مدیریت استاندارد و کیفیت، ۴(۱۱)، ۱۸-۲۳.

تاج آبادی، رضا؛ مشایخی، کریم؛ لاهوتی، سعید. (۱۳۸۶). نقش و توانایی های کارآفرینی در ارتقای بهره وری و رشد اقتصادی. همایش ملی بهره وری.

حیاتی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش آموزش کارآفرینی در هنرستان ها بر کاهش آسیب های اجتماعی. مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱۱(۱)، ۶۰-۵۵.

مهدی، رضا. (۱۳۹۴). جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم. *نشریه مهارت‌آموزی*. ۴(۱۴)، ۱۱۷-۱۰۳.

نادری، نادر؛ امیری، صبا؛ دل‌انگیزان، سهراب؛ جعفری، حبیب. (۱۳۹۴). الگوسازی مفهومی تأثیر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بر نگرش هنجاریان به کسب‌وکار در هنرستان‌های کاردانش. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*. ۲(۲)، ۳۴-۱۷.

Alismail, H. A., & McGuire, P. (2015). 21st century standards and curriculum: Current research and practice. *Journal of Education and Practice*, 6(6), 150-154.

Alos, S. B., Caranto, L. C., & David, J. J. T. (2015). Factors affecting the academic performance of the student nurses of BSU. *International Journal of Nursing Science*, 5(2), 60-65.

Andersen, R.M. (2016). Qualitative analysis on the views of secondary school teachers about the training, using the training equipment up to date with the Academy and the University of New Jersey Vndrblt". *Journal of Teacher Education*, 28(2), 31-34.

Blind, K., & Mangelsdorf, A. (2016). Motives to standardize: Empirical evidence from Germany. *Technovation*, 48, 13-24.

Gajardo, F., & Grau, N. (2019). Competition among schools and educational quality: Tension between various objectives of educational policy. *International Journal of Educational Development*, 65, 123-133.

Gueudet, G., & Poisard, C. (2019). Design and use of curriculum resources for teachers and teacher educators: Example of the Chinese abacus at primary school. *International Journal of Educational Research*, 93, 68-78.

Harkema, S. J., & Schout, H. (2008). Incorporating student- centred learning in innovation and entrepreneurship education. *European Journal of Education*, 43(4), 513-526.

Huber, S. G., & Skedsmo, G. (2017). Standardization and assessment practices.

خاتمی، علی؛ شاه‌حسینی، حامد. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*. ۴(۱۳)، ۹۵-۱۱۶.

خلاق، علی اصغر. (۱۳۸۲). ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا؛ درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران. *نشریه نوآوری‌های آموزشی*. ۵(۲)، ۸۴-۶۷.

خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید؛ بهمنیار باروق، بیتا. (۱۳۸۹). *راهنمای نحوه تدوین استاندارد آموزش مهارت‌محور*. تهران: روابط عمومی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.

شاگری، محسن؛ برزگر بفروئی، کاظم؛ جمشیدی، محمدعلی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد بر اساس نظریه داده‌بنیاد. *نشریه نوآوری‌های آموزشی*. ۱۸(۳)، ۵۸-۳۹.

صالحی، کیوان؛ ر‌زین‌آبادی، حسن رضا؛ پرنده، کورش. (۱۳۸۸). کاربست رویکرد سیستمی در ارزشیابی کیفیت هنرستان‌های فنی حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستان‌های فنی حرفه‌ای دخترانه شهر تهران. *نشریه نوآوری‌های آموزشی*. ۲۹(۸)، ۲۰۳-۱۵۱.

عباسی، عفت؛ وقور کاشانی، مهدیه سادات. (۱۳۹۴). تبیین جایگاه استانداردسازی در ارتقای کیفیت نظام آموزشی. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*. ۱۷(۶۵)، ۱۵۳-۱۳۳.

مجلل چوبقلو، محمدعلی؛ عبدالله فام، رحیم؛ تمجیدتاش، الهام. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی. *نشریه مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*. ۵(۱۸)، ۱۶۷-۱۸۷.

محمدپورزند، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سید محسن. (۱۳۹۴). جایگاه آموزش در توسعه پایدار شهری. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*. ۳(۱۰)، ۱۲۵-۱۱۱.

مرادی دهقی، شهریار؛ عباسپور، عباس؛ رحیمیان، حمید؛ ملکی، حسن؛ خسروی، محبوبه. (۱۳۹۷). تدوین الگوی اسلامی - ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور. *نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۲۶(۴۱)، ۶۷-۲۹.

- Skobeleva, N. (2014). Major factors of successful implementation of the federal state educational standard in preschool organizations' work. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 146, 444-449.
- Wang, Z., Zhang, M., Sun, H., & Zhu, G. (2016). Effects of standardization and innovation on mass customization: An empirical investigation. *Technovation*, 48, 79-86.
- Yildirim, N., & Aşkun, O. B. (2012). Entrepreneurship intentions of public universities in Turkey: going beyond education and research?. *Procedia-Social and behavioral sciences*, 58, 953-963.
- Zoo, H., de Vries, H. J., & Lee, H. (2017). Interplay of innovation and standardization: Exploring the relevance in developing countries. *Technological Forecasting and Social Change*, 118, 334-348.
- Educational Assessment, Evaluation and Accountability, 29(1), 1-3.
- Korelli, Y., & Mourouzides, Y. (2016). Key competences in vocational education and training—Cyprus. *Cedefop ReferNet thematic perspectives series*.
- Koudahl, P. D. (2010). Vocational education and training: dual education and economic crises. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 1900-1905.
- Lei, Z., Naveh, E., & Novikov, Z. (2016). Errors in organizations: An integrative review via level of analysis, temporal dynamism, and priority lenses. *Journal of Management*, 42(5), 1315-1343.
- Matsuoka, R. (2019). Concerted cultivation developed in a standardized education system. *Social science research*, 77, 161-178.
- Mayorova, V., Grishko, D., & Leonov, V. (2018). New educational tools to encourage high-school students' activity in stem. *Advances in Space Research*, 61(1), 457-465.
- Mazerolle, S. M., Gavin, K. E., Pitney, W. A., Casa, D. J., & Burton, L. (2012). Undergraduate athletic training students' influences on career decisions after graduation. *Journal of Athletic Training*, 47(6), 679-693.
- Nissinboim, N., & Naveh, E. (2018). Process standardization and error reduction: A revisit from a choice approach. *Safety science*, 103, 43-50.
- Panagiotopoulou, E. (2018). Dance therapy and the public school: The development of social and emotional skills of high school students in Greece. *The Arts in Psychotherapy*, 59, 25-33.
- Pozdeeva, S., & Plotnikova, N. (2015). Forms of Organizing Collective Educational Activity at Primary School. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 214, 51-58.
- Raposo, M., & Do Paço, A. (2011). Entrepreneurship education: Relationship between education and entrepreneurial activity. *Psicothema*, 23(3), 453-457.